

تضمین‌های حقوق بشر در نظام سیاسی افغانستان

عبدالحمید عارفی*

چکیده

تضمین‌های قانونی حفاظت و حمایت از ارزش‌های حقوق بشری در نظام سیاسی افغانستان از برجستگی‌های این نظام به شمار رفته است. تضمین‌های حقوق بشر در همه نظام‌های سیاسی دنیا در حوزه حقوق اساسی به‌عنوان یک موضوع مهم مطرح بوده و از وظایف و مکلفیت‌های اصلی نظام‌ها محسوب گردیده است. رعایت حقوق بشر در هر جامعه‌ای از عناصر جمهوریت و دموکراسی تلقی شده و قانون‌گذاری نیز بر اساس آن صورت می‌گیرد. در نظام سیاسی افغانستان، تدوین، تعدیل و تصویب اسناد تقنینی به‌عنوان تضمین‌های حقوق بشری افراد در جامعه و مکانیزم‌های حقوقی و قانونی به‌عنوان سازکارهای تطبیق اسناد مربوطه در نظر گرفته شده و قابل اعمال و اجرا می‌باشد. ضمن این‌که افراد در جامعه از این نوع حقوق و آزادی‌ها بهره‌مند می‌شوند، با آزادی‌های دیگران نیز تعارض نداشته و مینافات نخواهند داشت. در این مقاله سعی بر آن است تا زوایا و ابعاد گوناگون این موضوع را با توجه به اسناد تقنینی و مکانیزم‌های عملی موجود در کشور، مورد بحث و بررسی قرار دهد. امید است که نکات مطرح‌شده در این مباحث مورد توجه همگان قرار گیرد.

واژگان کلیدی: حقوق بشر، تضمین‌ها، اسناد تقنینی، مکانیزم‌های عملی و نظام

سیاسی افغانستان.

* پژوهشگر و استاد دانشگاه.

نظام سیاسی افغانستان با صلاحیت‌ها و مسئولیت‌های مشخص در قانون اساسی ایجاد و تشکیل شده و اداره کشور را به عهده می‌گیرد. اراده مردم و شهروندان در ساختار و شکل‌گیری آن مهم بوده و تعیین‌کننده می‌باشد؛ لذا توجه و احترام گذاشتن به حقوق بشری و شهروندی مردم توسط نظام سیاسی حاکم در افغانستان، از عناصر و بهترین رکن دموکراسی شناسایی شده و نشانه مردم‌سالاری این نظام شمرده شده است. به همین دلیل، موضوع حقوق بشر برجسته بوده و به‌عنوان بنیادی‌ترین و اساسی‌ترین حقوق افراد محسوب می‌شود. رابطه شهروندان با نظام سیاسی در قانون اساسی به صورت واضح و مشخص منعکس و بیان شده است و در فصل دوم تحت عنوان «حقوق اساسی و وجایب اتباع»، بنیادی‌ترین و اساسی‌ترین حقوق شهروندان مطرح شده و حمایت از آن‌ها به عهده نظام سیاسی حاکم گذاشته شده است. هرگونه تبعیض، استبداد فکری و اجتماعی و انحصار در عرصه‌های مختلف نفی و ممنوع شده است. نظام سیاسی افغانستان مبتنی بر اراده مردم بوده و تعیین سرنوشت مردم به دست خودشان یک امتیاز مهم تلقی شده است. تصریح و بیان نمودن ارزش‌های حقوق بشری افراد و آزادی‌های فردی و اجتماعی شهروندان در قانون اساسی کشور، تضمین‌کننده آن‌ها تلقی می‌شود؛ بنابراین، در نظام سیاسی افغانستان، تمام افراد دارای حقوق و تکالیف برابر و یکسان هستند و شهروندان نباید نسبت به یکدیگر برتری داشته باشند و تمام افراد باید به طور برابر از این حقوق و ارزش‌ها بهره‌مند شوند. در قانون اساسی هر نوع تبعیض و امتیاز بین اتباع افغانستان منع قرار داده شده است. اتباع افغانستان - اعم از زن و مرد - در برابر قانون دارای حقوق و وجایب مساوی می‌باشند. با توجه به صراحت قانون اساسی، نظام سیاسی افغانستان مکلف است حقوق و آزادی‌های همه اتباع و شهروندان را تأمین نماید و زمینه برخورداری از حقوق سیاسی، فرهنگی و اقتصادی و امثال آن را به صورت یکسان و بدون در نظر گرفتن نژاد، قوم، مذهب، زبان و مانند آن را فراهم نماید.

۱. مفهوم و محدودیت‌های حقوق بشر

ناسنی ۱۳۹۴

افراد بشر از آن جهت که بشر هستند، از حقوق بشر برخوردار می‌باشند و این حقوق به هیچ عنوان و تحت هیچ شرایطی قابل انفکاک و جدایی از افراد بشر نمی‌باشد. طبق اسناد بین‌المللی و اسناد تقنینی داخلی، این نوع حقوق برای همگان به رسمیت شناخته شده و مورد حمایت قرار گرفته است و باید از طرف نظام سیاسی و جامعه نیز مورد احترام باشد. در نظر گرفتن و حرمت گذاشتن به این نوع حقوق باعث رشد شخصیت انسانی و شکوفاشدن استعدادهای آنان می‌شود. انعکاس این ارزش‌ها در قوانین و اسناد تقنینی نافذ کشور، به‌خصوص در قانون اساسی، و حمایت مؤثر از طرف قدرت سیاسی، لازم

و ضروری بوده و تضمین‌کننده این ارزش‌ها محسوب می‌شود و ضمانت اجرای این ارزش‌ها به شمار می‌رود. به عبارت دیگر، حفظ ارزش‌های حقوق بشری افراد در جامعه، توانایی‌هایی را برای افراد به همراه خواهد داشت که به موجب آن‌ها هر فردی در زندگی اجتماعی نسبت به اعمال و رفتارهای خویش حق انتخاب داشته و به وسیله حقوق موضوعه از حمایت مستحکم قانونی برخوردار باشد (خسروی، ۱۳۹۲: ۱۷۸ و ۱۸۱). در عین حال از لازمه زندگی اجتماعی، پذیرفتن محدودیت‌ها، ناگزیری‌ها و رعایت یک سلسله التزامات است. افراد نمی‌توانند رفتارها و عملکردهای دلخواه خویش را همیشه و همه‌جا انجام دهند. هم‌چنان‌که تبیین و انعکاس این ارزش‌ها در قوانین و اسناد تقنینی مهم هستند، محدودیت‌های آن‌ها نیز باید در قوانین انعکاس یافته و به صراحت بیان و با توجه به چارچوب‌ها و معیارهای قانونی ترتیب و تنظیم شوند. همه افراد آزادند که رفتارهای شان را در چوکات قانون انجام دهند تا به حقوق و ارزش‌های دیگران زیان‌آور نباشند. افراد از تعرض دولت با توجه به معیارها و احکام قانونی مصون هستند و حوزه اقتدار و حاکمیت نظام‌های سیاسی نسبت به رفتارهای افراد نیز در قوانین تعیین و محدود می‌شود. هیچ فردی نمی‌تواند به بهانه داشتن این نوع حقوق، دیگران را از حقوق و ارزش‌های بشری‌شان محروم نماید. اصل احترام به کرامت انسانی و عزت انسان‌ها ملاک و معیار استفاده از این حقوق و ارزش‌ها می‌باشد (دانش، ۱۳۵۴: ۵۳۵)؛ به‌عنوان نمونه: هیچ‌کسی مجاز نیست به بهانه آزادی بیان، اسرار زندگی خصوصی دیگران را فاش نماید و یا به توهین و تحقیر انسان‌ها دست بزند و به راحتی کسی را تکذیب نماید و به اشخاص تهمت ناروا بزند و مکالمات تلفنی افراد را فاش سازد؛ زیرا همه این نوع اعمال و رفتارها مغایر با ارزش‌های حقوق بشری افراد تلقی و ممنوع شمرده شده است (همان: ۵۴۲ و ۵۴۳)؛ مگر در مواردی که قانون تجویز نماید. حقوق و آزادی‌های عمومی افراد و محدودیت‌های استفاده از آن‌ها در اسناد تقنینی بیان شده است و از لحاظ رشد شخصیت انسانی و شکوفاشدن استعدادهای آنان، حفظ این نوع حقوق برای آن‌ها ضروری تلقی گردیده است (دانش، ۱۳۹۴: ۵۲۳ و ۵۲۶). آزادی اندیشه، عقیده، بیان، آزادی اجتماعات، آزادی رفت و آمد و مانند آن، توانایی‌هایی هستند که به موجب آن‌ها انسان در زمینه‌های مختلف زندگی اجتماعی، اعمال و رفتار خویش را خود انتخاب و اختیار می‌کند و این توانایی‌ها به وسیله حقوق موضوعه که آن‌ها را از حمایت مستحکم برخوردار می‌کند، شناخته شده و سازمان می‌یابد (خسروی، ۱۳۹۲: ۱۷۸ و ۱۸۱). پس مشخص نمودن قلمرو ارزش‌های حقوق بشری و آزادی‌های عمومی و محدودسازی آن در جامعه، یک امر مهم و اجتناب‌ناپذیر است. افراد آزادند که هر عملی را در چوکات قانون انجام دهند؛ چنان‌که در اسناد بین‌المللی حقوق بشر، از جمله در اعلامیه جهانی حقوق بشر، نیز تأکید صورت گرفته است که برخورداری از آزادی نباید به دیگران زیان رساند.

۲. تضمین‌های حقوق بشر در افغانستان

شکل‌گیری جامعه بر معیار حقوق بشری و حقوق شهروندی از ویژگی‌های مهم نظام دموکراتیک می‌باشد؛ لذا در نظام سیاسی افغانستان، حکومت مکلف شده است تا حقوق بشری و شهروندی شهروندان را تضمین و از آن حمایت نماید. بر اساس نظام سیاسی مردم‌سالار، همه شهروندان به صورت ذاتی دارای حقوق بشری، مدنی و سیاسی می‌باشند. به همین جهت، انواع حقوق بشری و آزادی‌های فردی و عمومی و محدودیت‌های آن در قانون اساسی افغانستان به صورت واضح بیان شده است و مورد حمایت جدی نظام سیاسی کشور می‌باشد و به تعقیب آن، مکانیزم‌های تطبیقی و اجرایی آن‌ها در اسناد تقنینی عادی تدوین و مورد توجه قرار گرفته است.

۳. انعکاس مصادیق حقوق بشر در قانون اساسی

در نظام سیاسی افغانستان، ارزش‌های حقوق بشری و آزادی‌های عمومی افراد و شهروندان در جامعه به صورت واضح در فصل دوم قانون اساسی که مهم‌ترین سند و وثیقه ملی است، به قرار ذیل بیان شده است:

۳-۱. حق حیات

حق حیات و زندگی، بنیادی‌ترین حق انسان است که استفاده از همه حقوق انسانی وابسته به آن می‌باشد. حق زندگی، اولین حق از حقوق بشری است که همه شهروندان از جامعه و دولت توقع احترام و حمایت از آن را دارند. به حکم قانون اساسی، مهم‌ترین وظیفه نظام سیاسی و جامعه این است که این حق را برای همگان محترم شمرده و از آن دفاع نماید. این حق از نظر دینی نیز از اهمیت زیادی برخوردار است؛ چنان‌که خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: کسی که یک نفر را به قتل برساند، مثل این است که همه بشریت را به قتل رسانده است و کسی که زندگی یک نفر را نجات دهد، به منزله آن است که همه بشریت را نجات داده است^{۱۳۹۴} (مائده / ۳۲). در اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز تأکید شده است که هر کس حق زندگی... دارد و در میثاق بین‌الملل حقوق مدنی و سیاسی نیز ذکر شده است که حق زندگی از حقوق ذاتی شخصی انسان است؛ این حق باید به موجب قانون، حمایت شود؛ هیچ فردی را نمی‌توان خودسرانه از زندگی محروم کرد. در اعلامیه اسلامی حقوق بشر نیز تأکید شده است که زندگی موهبتی است الهی و حقی است که برای هر انسان تضمین شده است و بر همه افراد و جوامع و حکومت‌ها واجب است که از این حق حمایت نموده و در مقابل هر تجاوزی علیه آن ایستادگی کنند.

۳-۲. حق امنیت شخصی

امنیت در زندگی شخصی، موجب اعتماد در جامعه شده و افراد را برای فعالیت و تلاش بیش‌تر تشویق و امیدوارتر می‌نماید. احساس ناامنی، انگیزه‌های فعالیت را از افراد سلب نموده و باعث یأس و ناامیدی می‌شود. امنیت شخصی اطمینان و اعتمادی است که افراد در جامعه‌ای که زندگی می‌کنند، نسبت به حفظ جان، حیثیت و حقوق مادی و معنوی خود، بیم و هراسی نداشته باشند و در مقابل، هر نوع توقیف، زندانی شدن و یا سایر اقدامات خودسرانه از سوی دولت و جامعه مصونیت داشته و از هرگونه تجاوز همانند قتل، جرح، حبس، تبعید، شکنجه و اعمال مغایر با حیثیت انسانی در امان باشند. امنیت و عدم وجود تهدیدات امنیتی در جامعه باعث می‌شود که آزادی‌های مادی و معنوی شهروندان تضمین شود و از نعمت آزادی‌های عمومی بهره‌مند شوند. قانون اساسی نیز تأکید دارد که هیچ شخص را نمی‌توان به صورت خودسرانه تعقیب، گرفتار، توقیف و یا مجازات نمود؛ مگر به حکم محکمه با صلاحیت و مطابق به احکام قانون.

۳-۳. حق آزادی مسافرت، انتخاب محل سکونت و مصونیت آن

آزادی مسافرت و انتخاب محل سکونت از حقوق بشری و اساسی افراد بوده و برای تأمین نیازمندی‌های شغلی، تجارت، تحصیل، پزشکی و امثال آن‌ها می‌توانند در داخل و خارج از کشور از این حق خود بهره‌مند شوند (قاضی شریعت‌پناهی، ۱۳۸۷: ۱۴۷)؛ بنابراین، هر فردی در هر زمانی که بخواهد، با ید با امنیت کامل از راه‌ها به صورت آزاد، برابر و رایگان استفاده نموده و در محل مورد علاقه خود سکونت نماید. هیچ‌کس حق ندارد احدی را از این حق محروم نماید (دانش، ۱۳۵۴: ۵۴۱). در دنیای کنونی هیچ فردی نمی‌تواند به تنهایی و بدون سفر، نیازهای خود را تأمین کند. رشد زندگی انسان و نیازهای متنوع و گوناگون او ایجاب می‌کند تا برای تأمین آن‌ها مجبور باشد به مکان‌های دیگر مسافرت نموده و یا در شهرهای مورد نظر خویش سکونت نماید؛ از این رو، مسافرت و تغییر محل زندگی وسیله تأمین نیازمندی‌های زندگی و وسیله رشد استعدادها و خلاقیت بشری است. قانون اساسی افغانستان در ماده ۳۹ این حق را مورد تأکید قرار داده است. آزادی مسافرت و انتخاب محل سکونت از جمله آزادی‌های فردی تلقی شده است؛ برای این‌که افراد بتوانند آزادانه رفت و آمد نموده و در ارتباط با اقامت و ترک محل زندگی و پذیرش تابعیت کشور خود یا کشور دیگر حق انتخاب داشته باشند و محل سکونت خود را بدون هیچ‌گونه جبر و اکراه انتخاب کنند. مطابق حکم قانون اساسی افغانستان، مسکن افراد، خانه و یا هر محلی که افراد در آن سکونت دارند، باید از تعرض مصون باشد و بدون اجازه صاحب آن هیچ‌کس، به شمول مأمورین دولتی، حق ورود و یا بازرسی مسکن اشخاص

را ندارد؛ اما در صورت لزوم، مکلف هست که مجوز بازرسی و تفتیش از مقامات قضایی و محکمه باصلاحیت را داشته باشد؛ برای این که مسکن وسیله آرامش و رشد شخصیت انسان بوده و آسایش فکری و روانی انسان در گرو مصونیت و امنیت منزل میسر می‌باشد. مسکن بخشی از حریم خصوصی افراد بوده و هیچ‌کسی حق دخالت در این بخش از زندگی افراد را ندارد (دانش، ۱۳۹۴: ۵۴۲).

۳-۴. حق آزادی اندیشه و عقیده

آزادی اندیشه و عقیده به این مفهوم است که افراد در جامعه بتوانند به انتخاب خود اندیشه و تفکر نموده و عقیده خود را انتخاب نمایند. به عبارت دیگر، تحمیلی در پذیرش آن صورت نگیرد و اجباری نیز برای اعتراف آن نداشته باشد (رحیمی نژاد، ۱۳۸۷: ۱۱۹ و ۱۲۱). افراد با داشتن هرگونه فکر و عقیده آزاد است و هیچ‌کسی، به شمول حکومت، نمی‌تواند شخصی را به صرف داشتن فکر و عقیده خاص، تحت تعقیب و پیگرد قرار دهد. آزادی در اندیشه و تفکر، خلاقیت، نوآوری و شکوفایی استعدادها و انسانی را در پی خواهد داشت و محدود کردن آن نابودی استعدادهای انسانی افراد و در نتیجه عقب‌ماندگی جامعه را به دنبال خواهد داشت؛ از این رو، بسیار مهم، لازم و ضروری است که زمینه برخوردار شدن افراد جامعه از این حق فراهم شود و از آثار مفید و مهم آن جامعه مستفید شود (قاضی شریعت‌پناهی، ۱۳۸۷: ۱۴۷-۱۴۸). در ماده ۲۴ قانون اساسی افغانستان نسبت به این حق اشاره شده و مورد تأکید قرار گرفته است. آزادی اندیشه و عقیده از مهم‌ترین جلوه‌های آزادی‌های فردی در جامعه به شمار می‌رود. بر این اساس، افراد حق دارند هرگونه تفکر، اندیشه، اعتقاد و باوری نسبت به دین، اخلاق، مذهب، سیاست و امثال آن‌ها داشته باشند. اندیشه و عقیده در نهان وجود انسان جای دارد و راه‌بردن به چند و چون آن امکان‌پذیر نمی‌باشد؛ مگر این‌که افراد خودشان اظهار نمایند؛ لذا داشتن عقیده خاص با ابراز و بیان آن متفاوت است. وجود این عقاید در ذهن و ضمیر باطنی افراد عملاً تأثیری در حیات اجتماعی انسان‌ها ندارد؛ اما اگر بروز عقاید با نظم عمومی، منافع عمومی و یا احساسات ملت‌ها تعارض یابد، با محدودیت‌هایی از طرف قانون‌گذار مواجه می‌شود.

۳-۵. حق آزادی بیان

آزادی بیان یعنی اظهار دیدگاه‌ها، اندیشه، عقیده، افکار و انتقال معلومات به دیگران است. آزادی بیان حقی است که از نظر دینی و نظام‌های حقوقی دنیا برای افراد در جامعه محترم شمرده شده است تا افراد بتوانند با استفاده از این حق از طریق گفتار، کتب و آثار هنری، کنفرانس، مطبوعات و امثال آن‌ها، دیدگاه‌های خود را به دیگران منتقل نموده و بازگو نمایند (همان: ۱۴۹). آزادی بیان از جمله حقوق انسانی است که در زمینه بروز دادن افکار، عقاید و اندیشه، بدون هراس از تعقیب و مجازات

و بازداشت، برای افراد در جامعه تضمین شده و در قوانین نافذ کشورها انعکاس یافته است؛ چنان‌که در قانون اساسی افغانستان نیز تصریح شده و در ماده ۳۴ بیان شده است. البته، آزادی بیان نباید باعث تضعیف دین و توهین به مقدسات شود و نباید مغایر با کرامت انسان‌ها باشد و نباید به عزت، آبرو و حیثیت افراد در جامعه صدمه وارد نماید (دانش، ۱۳۹۴: ۵۴۶-۵۴۷)؛ لذا در کد جزای افغانستان نیز در ماده ۶۷۳ برای اشخاصی که به حیثیت دیگران صدمه وارد نموده و باعث بی‌عزتی و هتک حرمت دیگری شود، مجازات مناسب تعیین شده است.

۳-۶. حق آزادی دینی و مذهبی

بر اساس قانون اساسی و اصل آزادی دین و مذهب، هر فرد حق دارد که در امور دینی و مذهبی، دارای عقیده خاصی بوده و در انجام مراسم دینی و مذهبی‌اش آزاد باشد و به طور علنی آموزه‌های دینی و مذهبی‌اش را تعلیم دهد (رحیمی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۱۲۰). اعتقاد و باور به دین بر مبنای استدلال و تفکر است و پذیرش دین، بدون شناخت و آگاهی و صرفاً بر اساس تقلید و تعصب، اهمیت و اعتباری ندارد. در ماده دوم قانون اساسی، دین دولت جمهوری اسلامی افغانستان، دین مقدس اسلام دانسته شده است و پیروان سایر ادیان در پیروی از دین و اجرای مراسم دینی‌شان در حدود احکام قانون به رسمیت شناخته شده است. انجام مراسم دینی و مذهبی، تعلیم و تربیت و عمل به احکام دینی و مذهبی در جامعه از لازمه آزادی دینی و مذهبی می‌باشد. با توجه به این نکته که افراد در جامعه نمی‌توانند به بهانه برخوردار بودن از این اصل، حدود و موازین قوانین و حفظ نظم عمومی را نادیده بگیرند؛ لذا اجرای مراسم دینی و مذهبی نباید باعث جریحه‌دار شدن پیروان سایر ادیان و مذاهب شود و هم‌چنین در قانون اساسی افغانستان تأکید شده است که پیروان مذاهب در افغانستان در انجام مراسم مذهبی طبق فقه خودشان آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه ازدواج، طلاق، ارث و وصیت و دعاوی مربوط به آن در محاکم رسمیت دارند.

بنیاد اندیشه
تاسی ۱۳۹۴

۳-۷. حق آزادی مطبوعات

در نظام سیاسی افغانستان، شهروندان حق دارند که به اخبار و اطلاعات داخلی و خارجی دسترسی داشته باشند و محدود نمودن این حق به معنای محروم کردن شهروندان از اطلاعات و اخبار است. آزادی مطبوعات یعنی آگاه شدن از ابعاد مختلف قضایای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و امثال آن است. آزادی مطبوعات و برخوردار بودن از این حق در جامعه رکن اساسی و مهم‌ترین عنصر دموکراسی در عصر حاضر تلقی شده است (قاضی شریعت‌پناهی، ۱۳۸۷: ۱۵۰). هیچ دولتی نمی‌تواند به بهانه مصلحت عمومی، حفظ نظام و تأمین امنیت، مردم را در بی‌اطلاعی قرار داده و حقایق و واقعیات

اجتماعی را در جامعه به صورت گمراه‌کننده جلوه دهد. آزادی افراد در نشر افکار، دیدگاه‌ها و اخبار با وسایل و طرق مختلف که در قانون پیش‌بینی شده است، بدون سانسور و بدون ارائه قبلی آن به مقامات دولتی، تضمین شده است (دانش، ۱۳۹۴: ۵۴۷ و ۵۵۰). قانون اساسی افغانستان در ماده ۳۴ از این حق نام برده و در مورد آن تأکید نموده است. حدود آزادی مطبوعات در قالب قوانین عادی مشخص شده است و مکلفیت‌های هریک از دارنده امتیاز مطبوعات به گونه‌ای تدوین شده که در صورت تخلف، برخورد قانونی با آن‌ها امکان‌پذیر می‌باشد.

۳-۸. حق آزادی تشکیل احزاب و گروه‌های سیاسی

همان‌گونه که اظهار نظر و انتشار مطالب در چارچوب قانون آزاد است، تشکیل احزاب، جمعیت‌ها و گروه‌های سیاسی نیز آزاد و مجاز است (قاضی شریعت‌پناهی، ۱۳۸۷: ۱۵۳) مگر آن‌که معیارهای قانونی و مهمی از قبیل استقلال، آزادی، وحدت ملی و اساس دولت جمهوری اسلامی افغانستان را نقض نماید. در ماده ۳۵ قانون اساسی بیان شده است که اتباع افغانستان حق دارند به منظور تأمین مقاصد مادی و یا معنوی، مطابق به احکام قانون، جمعیت‌ها تأسیس نمایند. اتباع افغانستان حق دارند، مطابق به احکام قانون، احزاب سیاسی تشکیل دهند؛ مشروط بر این‌که مرام‌نامه و اساس‌نامه حزب مناقض احکام دین مقدس اسلام و نصوص و ارزش‌های مندرج این قانون اساسی نباشد؛ تشکیلات و منابع مالی حزب علنی باشد؛ اهداف و تشکیلات نظامی و شبه‌نظامی نداشته باشد؛ وابسته به حزب سیاسی و یا دیگر منابع خارجی نباشد؛ تأسیس و فعالیت حزب بر مبنای قومیت، سمت، زبان و مذهب فقهی جواز ندارد. جمعیت و حزبی که مطابق به احکام قانون تشکیل می‌شود، بدون موجبات قانونی و حکم محکمه باصلاحیت منحل نمی‌شود.

۳-۹. حق آزادی تشکیل اجتماعات و راه‌پیمایی‌ها و گردهمایی‌ها

در نظام سیاسی افغانستان، یکی دیگر از آزادی‌های اساسی مردم، آزادی تشکیل اجتماعات و راه‌پیمایی‌ها است. آزادی اجتماعات هم مثل دیگر آزادی‌ها در حال حاضر در کشورهای مختلف پذیرفته شده است؛ به طوری که اشخاص می‌توانند با کسب اجازه، در محل معینی جمع شده و درباره مسائل سیاسی، اجتماعی و مانند آن تبادل نظر نمایند (همان: ۱۵۲). تشکیل اجتماعات و راه‌پیمایی‌ها بدون سلاح، به شرط آن‌که مخل ارزش‌های اسلامی و باورها و توهین به مقدسات مذهبی نباشند، آزاداند. البته باید مفاهیم فوق به صورت واضح و دقیق توسط قانون‌گذار تبیین شود؛ چنان‌که در ماده ۳۶ قانون اساسی بیان شده است.

۳-۱۰. حق امنیت قضایی شهروندان

در هر جامعه‌ای باید افراد از این نوع آزادی بهره‌مند باشند و نباید احساس کنند که بدون دلیل تحت تعقیب و پیگرد قرار می‌گیرند و به صورت خودسرانه جلب و احضار آن‌ها صادر می‌شود؛ بلکه باید چنین احساس کنند تا وقتی که که شواهد و دلایل قانونی بر مجرمیت افراد موجود نباشد، مجرم تلقی نمی‌شوند (دانش، ۱۳۹۴: ۷۲۰). بر همین اساس، در ماده ۲۵، ۲۶ و ۲۷ قانون اساسی افغانستان نیز با صراحت برائت ذمه حالت اصلی دانسته شده و مورد تأکید قرار گرفته است و جرم یک عمل شخصی تلقی شده که به شخص دیگر سرایت نمی‌کند. به حکم این قانون، از ابتدا هیچ عملی جرم نیست و جرم بودن یک عمل و تعیین و اعمال مجازات باید با توجه به معیارهای قانونی و به وسیله محکمه باصلاحیت تشخیص گردیده و اجرا شود. دولت مکلف است زمینه برخوردارشدن از آزادی‌های قضایی را برای شهروندان فراهم نماید و جلو تعرضات نسبت به این آزادی‌ها را بگیرد و بدون موجب قانونی هیچ‌کس را نمی‌توان دستگیر کرد و در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل، بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود.

۳-۱۱. حق داشتن شغل مناسب

حق اشتغال هر فرد در قانون اساسی افغانستان در ماده ۴۷ و ۴۸ مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته و نسبت به آن تأکید شده است که بر اساس آن، هرکس آزاد است و حق دارد هر نوع شغلی را که بدان مایل است، انتخاب کند؛ البته در چوکات قوانین و مشروط به این که مخالف قوانین حکومتی و مغایر شریعت و نظم عمومی و اخلاق حسنه و در تعارض با حقوق دیگران نباشد (دانش، ۱۳۹۴: ۵۵۷). بر این اساس، دولت نیز مکلف است با توجه به نیاز و توانمندی افراد در جامعه، امکان اشتغال مناسب را فراهم نماید.

بنیاد اندیشه

۳-۱۲. حق تعلیم و تحصیل

برخوردارشدن از تعلیمات و تحصیلات، حق همه مردم است. دولت مکلف است تا زمینه تعلیم و تحصیل را به طور رایگان فراهم کند (قاضی شریعت‌پناهی، ۱۳۸۷: ۱۴۹-۱۵۰). در قانون اساسی افغانستان در ماده ۴۳ چنین بیان شده است که «تعلیم حق تمام اتباع افغانستان است که تا درجه لیسانس در مؤسسات تعلیمی دولتی به صورت رایگان از طرف دولت تأمین می‌گردد. دولت مکلف است به منظور تعمیم متوازن معارف در تمام افغانستان، تأمین تعلیمات متوسطه اجباری، پروگرام مؤثر طرح و تطبیق نماید و زمینه تدریس زبان‌های مادری را در مناطقی که به آن‌ها تکلم می‌کنند، فراهم کند.»

هم‌چنین، در ماده ۴۴ نیز تأکید کرده است که «دولت مکلف است به منظور ایجاد توازن و انکشاف تعلیم برای زنان، بهبود تعلیم کوچیان و امحای بی‌سوادی در کشور، پروگرام‌های مؤثر را طرح و تطبیق نماید.» در ماده ۴۵ بیان نموده است که «دولت نصاب واحد تعلیمی را بر مبنای احکام دین مقدس اسلام و فرهنگ ملی و مطابق با اصول علمی، طرح و تطبیق می‌کند و نصاب مضامین دینی مکاتب را بر مبنای مذاهب اسلامی موجود در افغانستان، تدوین می‌نماید.» و باز در ماده ۴۶ به این صورت تأکید کرده است که «تأسیس و اداره مؤسسات تعلیمات عالی، عمومی و اختصاصی وظیفه دولت است. اتباع افغانستان می‌توانند به اجازه دولت به تأسیس مؤسسات تعلیمات عالی، عمومی، اختصاصی و سوادآموزی اقدام نمایند. دولت می‌تواند تأسیس مؤسسات تعلیمات عالی، عمومی و اختصاصی را به اشخاص خارجی نیز مطابق به احکام قانون اجازه دهد. شرایط شمول در مؤسسات تعلیمات عالی دولتی و سایر امور مربوط به آن، توسط قانون تنظیم می‌گردد.» بنابراین، دولت مکلف است وسایل و امکانات تعلیمی و تحصیلی تا دوره لیسانس را به صورت رایگان برای همه افراد جامعه فراهم سازد؛ البته با توجه به شرایط روز باید در قبال تحصیلات فوق لیسانس نیز تدابیر و امکاناتی در نظر گرفته شود و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی به طور رایگان گسترش دهد و زمینه آن را فراهم نماید.

۳-۱۳. حق برگزاری انتخابات

از این‌که انتخابات روش‌گزینش و شیوه تعیین نمایندگان محسوب شده و شامل تمام مراحل مختلف از قبیل ثبت نام، رأی‌دهی و اعلان نتایج می‌باشد، ایجاب می‌نماید که در فرایند برگزاری انتخابات، مردم طبق قانون اساسی بتوانند آزادانه و بدون تبعیض از این حق قانونی‌شان برخوردار شده و بدون ترس به شخص مورد نظرشان رأی دهند و آرای مردم تعیین‌کننده نتیجه انتخابات باشد (خسروی، ۱۳۹۲: ۱۹۶-۱۹۷). در این صورت است که انتخابات موجب تحکیم دموکراسی گردیده و حقوق سیاسی مردم را تثبیت و نهادینه می‌نماید و به همین ترتیب، انتخابات باعث مشروعیت حکومت گردیده و مناسبات مردم و حکومت را هرچه بیش‌تر تقویت خواهد کرد؛ بنابراین، انتخابات به‌عنوان تنها وسیله صلح‌آمیز و بدون خشونت برای ایجاد نهادهای قدرت به صورت فرهنگ عمومی درآمده و رهبران سعی می‌کنند قدرت را تنها از طریق جلب آرای مردم به دست آورند (دانش، ۱۳۹۴: ۴۰۱). بر اساس ماده ۳۳ قانون اساسی، حق انتخاب‌کردن و انتخاب‌شدن برای اتباع افغانستان به رسمیت شناخته شده است. با توجه به اصول و ارزش‌های حقوقی و قانونی مطرح در نظام‌های مردم‌سالار، انتخابات از جمله مباحث مهم؛ تأثیرگذار؛ انجام درست آن و تأسیس نظام انتخاباتی کشور می‌باشد که باید با

در نظر داشت محاسن و معایب نظام انتخاباتی و نحوه تطبیق آن در تاریخ سیاسی این کشور مورد توجه، تجزیه و تحلیل صاحب نظران و مجامع علمی و فرهنگی قرار بگیرد. دولت و نظام انتخاباتی مؤظف هستند که اصول و سازوکارهای قانونی را که در قانون اساسی و سایر اسناد تقنینی کشور به رسمیت شناخته شده، مورد توجه قرار داده و به هیچ عنوان از آن تعدی و تخطی ننمایند تا رأی گیری در چنین نظامی به سمت رعایت شاخص های مورد نظر انجام پذیرفته و خصوصیت فراگیری، عمومیت و عادلانه بودن انتخابات امکان تطبیق و اجرا را پیدا نماید (خسروی، ۱۳۹۲: ۲۰۶).

۳-۱۴. حق برخورداری از کسب و کار و مالکیت مشروع

نظام اقتصادی و حقوقی اسلام، مالکیت خصوصی افراد را به رسمیت شناخته و مورد حمایت قرار داده است؛ به گونه ای که حق فرد و جامعه هر دو تأمین شود (عمید زنجانی، ۱۳۷۳: ۵۳۵ و ۵۳۷). بر اساس قانون اساسی افغانستان در ماده ۴۰، مالکیت خصوصی افراد مورد توجه قرار گرفته و تعرض نسبت به آن ممنوع شمرده شده است؛ به این بیان که مالکیت افراد از تعرض مصون است. هیچ شخص از کسب مالکیت و تصرف در آن منع نمی شود؛ مگر در حدود احکام قانون. مالکیت هیچ شخص، بدون حکم قانون و فیصله محکمه باصلاحیت، مصادره نمی شود. استملاک مالکیت شخص تنها به مقصد تأمین منافع عامه در بدل تعویض قبلی و عادلانه، به موجب قانون مجاز می باشد. تفتیش و اعلان دارایی شخص تنها به حکم قانون صورت می گیرد؛ اما طرق کسب مالکیت را محدود نموده است به معیارها و مجوز قانونی و شرعی که بر اساس آن، به دست آوردن ثروت و ثروت اندوزی های نامشروع و بی حد و حصر مهار خواهد شد؛ لذا هر فردی مالک حاصل کسب و کار مشروع خویش است و هیچ کس نمی تواند مالکیت نامشروع داشته باشد و یا کسب نماید از قبیل ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوءاستفاده از موقوفات، سوءاستفاده از مقاطعه کاری ها و معاملات دولتی، فروش زمین های موات اماکن فساد و امثال آن. پس طبق قانون اساسی، مقامات دولتی و اجرایی نمی توانند مالکیت افراد را سلب یا محدود نمایند (دانش، ۱۳۹۴: ۵۵۵).

بنیاد اندیشه
تاسیس ۱۳۹۴

۴. تشکیل کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان به عنوان یک نهاد ملی حقوق بشر بر اساس توافق نامه بن و فرمان رئیس جمهور افغانستان تشکیل شد و سپس با تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان به منظور نظارت بر رعایت حقوق بشر در افغانستان و بهبود و حمایت از آن، در ماده ۵۷ این قانون، انعکاس و مبنای قانونی یافته است. هر شخص می تواند در صورت نقض حقوق بشری خود،

به این کمیسیون شکایت نماید. کمیسیون می‌تواند موارد نقض حقوق بشری افراد را به مراجع قانونی راجع ساخته و در دفاع از حقوق آن‌ها مساعدت نماید. نظارت بر وضعیت و چگونگی دسترسی افراد به حقوق و آزادی‌های بشری؛ بررسی و تحقیق از تخلفات و موارد نقض حقوق بشر؛ اتخاذ تدابیر به منظور بهبود و انکشاف وضعیت حقوق بشر در کشور؛ ثبت، رسیدگی و پیگیری قضایای نقض حقوق بشری اقشار مختلف جامعه و توسط ارگان‌های مختلف به منظور بهبود دسترسی و برخورداری شهروندان از حقوق بشر؛ حمایت از افراد آسیب‌پذیر، قربانیان خشونت علیه زنان و اطفال، معتادین، افراد بی‌بضاعت و غیره از طریق معرفی آنان به مراجع و نهادهای حمایت‌کننده؛ نظارت از تطبیق سفارشات سازمان ملل متحد توسط دولت افغانستان و تهیه گزارش در رابطه با آن. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان از آغاز تأسیس تا کنون دستاوردهای بزرگی در راستای ترویج، حمایت و انکشاف حقوق بشر در کشور داشته است.

۵. تدوین و تعدیل اسناد تقنینی عادی

در بخش تدوین و تعدیل اسناد تقنینی، به طور کلی، نگاه نظام سیاسی مبتنی بر معیارهای ارزش‌های حقوق بشری بوده است؛ به این معنا که تمام اسناد تقنینی با توجه به ارزش‌های حقوق بشری تعدیل و تدوین شده است که به‌عنوان نمونه به چند مورد آن به طور خلاصه اشاره می‌شود.

۵-۱. تدوین قانون دسترسی به اطلاعات و حمایت از رسانه‌های همگانی

تدوین قانون دسترسی به اطلاعات و قانون حمایت از رسانه‌ها و هم‌چنین مقررۀ طرز تأسیس رسانه‌های خصوصی به منظور حمایت از رسانه‌های همگانی و طرز فعالیت آن‌ها، گام دیگری است که از سوی حکومت در راستای ترویج و تأمین ارزش‌های حقوق بشری در افغانستان برداشته شده است. در سال‌های اخیر، رسانه‌ها فعالیت‌های مطبوعاتی زیادی داشته و تندترین انتقادها را نسبت به نهادهای مختلف دولتی و حکومت مطرح کرده‌اند. هم‌چنین، از رسانه‌های اجتماعی دیگری نیز برای اظهار نظر استفاده نموده‌اند؛ به‌خصوص از فیس‌بوک و مانند آن. این رسانه‌ها به‌عنوان ابزار نظارتی و فشار بر نهادهای دولتی بوده و نتیجه آن افشاشدن تخطی‌های حقوق بشری از سوی نهادهای دولتی بوده است. رسانه‌ها در همه‌جوامع رکن اساسی و عنصر مهم دموکراسی تلقی گردیده است؛ به دلیل این‌که دسترسی به اطلاعات باعث می‌شود تا شهروندان به روندها و مکانیزم‌های تعیین حکومت اشراف و نظارت داشته باشند و بتوانند ببینند که حکومت و ادارات حکومتی چگونه مسئولیت خویش را انجام داده و به وظایف‌شان عمل می‌نمایند. هر شهروند افغانستان حق دارد که نسبت به اسناد

دولتی و گزارش کارکرد آن‌ها در ارتباط با خدمات عامه، آگاهی لازم و معلومات کافی داشته باشد. فراهم شدن زمینه حق دسترسی افراد به اطلاعات، باعث شفافیت در جامعه گردیده و پاسخ‌گوبودن نهادهای حکومتی را به دنبال خواهد داشت و در نتیجه، به‌عنوان یک سازوکار منطقی مبارزه با فساد و محو آن نیز مطرح خواهد شد. به همین جهت، هیچ نیرویی، به شمول حکومت، نمی‌تواند به بهانهٔ مصلحت عمومی، حفظ نظم و تأمین امنیت، مردم را در بی‌اطلاعی قرار داده و حقایق و واقعیت‌های اجتماعی را در جامعه به صورت غیر واقعی و گمراه‌کننده جلوه دهد. حکومت افغانستان با درک این ضرورت، تلاش دارد حمایت از اطلاع‌رسانی همگانی را در اولویت کاری‌اش قرار داده و زمینهٔ برخوردارشدن از این حق را برای تمام افراد جامعه فراهم نماید. حمایت از خبرنگاران، تأمین امنیت و مصونیت ژورنالیستان مورد توجه خاص رهبری حکومت قرار گرفته است. هم‌چنین، از طرف حکومت بارها تذکر داده شده و تأکید گردیده است که در مرکز و ولایات، والیان و نهادهای امنیتی تأمین‌کنندهٔ مصونیت و امنیت ژورنالیستان بوده و این کار یکی از مهم‌ترین وظایف آنان است؛ برای این‌که اطلاع‌رسانی و تأمین و تضمین این حق برای شهروندان بستگی به امنیت و مصونیت خبرنگاران داشته است و در صورتی که رسانه‌های همگانی و خبرنگاران احساس مصونیت نداشته باشند، طبیعی است که نمی‌توانند اطلاع‌رسانی دقیق و به‌موقع نموده و با آرامش خاطر به وظیفه‌شان عمل نمایند و نمی‌توانند با جرأت و بدون ترس و هراس، جرایم اقتصادی، فساد اداری و تخطی‌ها را افشا نمایند؛ لذا تصویب و توشیح قانون دسترسی به اطلاعات، احکام و فرامین ویژه نسبت به فراهم‌سازی زمینه‌های دسترسی به اطلاعات از سوی مسئولان، ایجاد کمیسیون دسترسی به اطلاعات، ایجاد کمیتهٔ مشترک مصونیت برای تأمین امنیت و هماهنگی میان رسانه‌ها و حکومت، تدویر جلسات ماهانه در مرکز و ولایات جهت بررسی مشکلات رسانه‌ها و خبرنگاران، ایجاد مرکز هماهنگی در وزارت امور داخله و قومندانی‌های امنیه و مرکز حمایت در ریاست امنیت ملی مرکز و ولایات، بررسی دقیق چالش‌ها و قضایایی که میان رسانه‌ها و مسئولان در اطلاع‌رسانی به وجود آمده‌اند، طرح و تفکیک دوسیه‌های خشونت علیه خبرنگاران و تعقیب جدی آن‌ها از مجرای نهادهای عدلی و قضایی، بررسی دوسیه‌های مسئولانی که با رسانه‌ها همکاری نداشته و پاسخ‌گو نبوده‌اند؛ تمام موارد فوق به خاطر محافظت و حمایت از ارزش‌های حقوق بشری افراد در جامعه صورت گرفته است. البته رسانه‌ها نیز نباید از این نوع حمایت‌ها استفادهٔ سوء نمایند و به بهانهٔ اطلاع‌رسانی و با نشر مطالب نادرست، باعث اخلال در نظم عمومی و تشویش روانی در جامعه شوند؛ محدودیت‌های قانونی باید جداً رعایت گردند. حق دسترسی به اطلاعات مانند هر حق دیگر، مطلق نبوده بلکه محدودیت‌هایی نیز دارد که باید مورد توجه قرار گیرد. حفظ ثبات و امنیت در کشور، حفظ حقوق شخصی و حریم خصوصی افراد و

عدم نفرت‌پراکنی‌های قومی، زبانی، مذهبی و ترویج نکردن خشونت و امثال آن از محدودیت‌های اطلاع‌رسانی است که عدم رعایت آن، باعث اخلال در نظم عمومی خواهد شد. پس رسالت مهم رسانه‌های همگانی، اطلاع‌رسانی و روشن ساختن افکار عمومی و بالابردن سطح آگاهی عمومی مردم می‌باشد، رسانه‌ها باید نقش مفید و مؤثرشان را در جهت شفافیت و نظارت بر عملکرد نهادهای دولتی، مبارزه با فساد اداری، تحکیم وحدت ملی و ایجاد همدلی و همسویی در جامعه ایفا نمایند و برای ترویج و تبلیغ ارزش‌های حقوق بشری و معیار کرامت انسانی تلاش کنند.

۵-۲. تدوین اسناد تقنینی حمایت از زنان و اطفال

برابری زنان و مردان در قانون اساسی افغانستان به رسمیت شناخته شده و مورد حمایت قرار گرفته است. علاوه بر آن، حکومت افغانستان جهت حمایت بیش‌تر از حقوق زنان و اطفال، پیمان‌های بین‌المللی را نیز امضا کرده است؛ بنابراین، در طول هفده سال گذشته برای حفظ و حراست از حقوق زنان و اطفال در افغانستان، از جانب جامعه جهانی، گروه‌ها و نهادهای مدنی داخلی و حکومت افغانستان، تلاش‌های زیادی صورت گرفته و هزینه‌های هنگفتی به مصرف رسیده است و خصوصاً از نظر تدوین اسناد تقنینی نیز مورد توجه جدی بوده است و برای حمایت از حقوق بیش‌تر آن‌ها، قوانین و مقرره‌هایی تصویب گردیده و نافذ شده است؛ اما بازهم روزبه‌روز نگرانی‌هایی در ارتباط با وضعیت نامناسب زنان و اطفال در افغانستان وجود داشته و یکی از دغدغه‌های مهم در این کشور محسوب می‌شود. هم‌چنین، نهادهای بین‌المللی نیز مدام تأکید دارند که وضعیت زنان و اطفال در افغانستان مطلوب نبوده و از نظر حقوقی، شغلی و زندگی فردی و اجتماعی با حالت خیلی رقت‌بار و شکننده مواجه هستند. در عرصه فعالیت‌های اجتماعی، به‌خصوص زنان، از مشارکت کم‌تر بهره‌مند بوده و از مصونیت شغلی محروم می‌باشند. اطفال به کارهای شاقه و خلاف کرامت انسانی‌شان وادار می‌شوند.

واقعیت‌های عینی جامعه افغانستان نیز حاکی از این است که تعداد زیادی از زنان و اطفال با خشونت‌های گوناگون و انواع تبعیض مواجه‌اند و متأسفانه حکومت در خصوص محو و کاهش آن خیلی موفق نبوده است؛ ولی با آن‌هم از هیچ تلاشی دریغ نکرده است؛ خصوصاً در حکومت وحدت ملی زمینه سهم‌گیری و مشارکت بیش‌تر زنان در حوزه‌ها و عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... فراهم شده و توجه خاصی نسبت به اطفال صورت گرفته است. حکومت باورمند است که زنان نیمی از پیکره جامعه را تشکیل می‌دهند و به هیچ وجه نمی‌توان نقش مثبت و تعیین‌کننده آنان را انکار نمود؛ لذا محروم کردن آنان از فرصت‌ها باعث می‌شود که توانایی‌های مفید و مؤثر این قشر عظیم از بین رفته و استعدادهای انسانی آن‌ها شکوفا نشوند؛ لذا باید زمینه‌های آموزشی

به درستی برای آن‌ها فراهم شود تا بتوانند توانایی‌های لازم را کسب نموده و مسئولیت‌های تربیتی، مدیریتی، اجتماعی و سیاسی خود را به درستی انجام دهند؛ بنابراین، برخورداری زنان از فرصت‌های برابر، نقش زیادی در توسعه و آبادانی کشور دارد و محرومیت آنان باعث محرومیت جامعه از توانمندی آنان خواهد شد. به همین جهت، اسناد بین‌المللی حقوق بشری نیز دولت‌های عضو را به محو و رفع تبعیض نسبت به زنان به هر شکلی که باشد، مکلف نموده است و هم‌چنین تأکید و توصیه کرده است که همه کشورهای باید سیاست رفع تبعیض علیه زنان را بی‌درنگ و به طور مقتضی دنبال نمایند؛ چنان‌که که در قانون اساسی افغانستان نیز به صراحت بیان شده است که «اتباع افغانستان اعم از زن و مرد در برابر قانون، دارای حقوق و وجایب مساوی می‌باشند.» هم‌چنین، تهیه قانون محو خشونت علیه زنان به هدف مبارزه با خشونت علیه زنان، به‌عنوان فرمان تقنینی نافذ و اجرایی شد. این اقدام حکومت گام مثبت دیگر و یک اقدام مناسب و منطقی از سوی حکومت محسوب می‌شود. این قانون برای نخستین‌بار بیست مورد خشونت علیه زنان را جرم پنداشته و برای آن مجازات تعیین کرده است. علاوه بر آن، استراتژی حقوق اقتصادی و مصونیت شغلی زنان را توسط کمیته امور زنان و جوانان تحت رهبری و ریاست جلالتمآب محترم، استاد سرور دانش، معاون دوم ریاست جمهوری اسلامی افغانستان، مورد بررسی همه‌جانبه قرار داده و در ماه ثور سال ۱۳۹۶ نهایی نموده است. تهیه و تطبیق این استراتژی از دیدگاه جندر از اهمیت خاصی برخوردار بوده و در راستای کار برای توانمندی زنان در عرصه‌های مختلف، به‌خصوص فعالیت‌های اقتصادی زنان، ضروری و لازم تلقی شده است و پیامدهای مثبت و چشم‌گیری را به همراه خواهد داشت. البته باید توجه داشت که تطبیق این استراتژی نیازمند هماهنگی‌های لازم میان ارگان‌های مرتبط می‌باشد تا مشکلات و چالش‌های موجود در تساوی جندر و موانع فرصت و ظرفیت نسبت به زنان در ادارات دولتی و غیر دولتی برطرف شود. با وجود این استراتژی، مشکلاتی چون آموزش حرفه‌ای و کارایی، ترویج شناسایی، فعالیت و رهبری در بخش‌های اقتصادی، اشتغال به مشاغل دولتی و غیر دولتی و مشارکت در همه فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی و... زنان حل خواهد شد و زمینه مصونیت‌سازی فضای آموزشی و کاری را برای زنان فراهم خواهد ساخت که این امر یکی از خواست‌های مهم زنان و آرزوی دیرینه آن‌ها بوده است و مدام در ملاقات‌های بانوان با جلالتمآب محترم معاونت دوم ریاست جمهوری، جناب استاد سرور دانش، مورد تأکید بانوان بوده و همیشه خواستار توجه جدی حکومت در این بخش شده‌اند. مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌ها لازم بوده و در سایه استقلال اقتصادی زنان میسر می‌باشد و هم‌چنین، روی بقیه آزادی‌های آن‌ها تأثیرگذار خواهد بود. سند مذکور با توجه به نیازمندی‌های مخصوص زنان، برای پنج سال در نظر گرفته شده است. البته حضور زنان به تناسب سال‌های گذشته در ساختار دولت در سطح

مرکز، ولایات و محلات پررنگ‌تر شده است که این امر می‌تواند به رفع مشکلات این قشر کمک نماید. بر اساس آمارهای رسمی حکومت، بیش از بیست درصد از کارمندان خدمات ملکی بانوان می‌باشند و هم‌چنین در عرصه‌های رهبری، معارف، آموزش، تحصیلات، تجارت، بخش‌های امنیتی و رسانه‌های همگانی نقش مهم داشته و به صورت جدی فعالیت می‌نمایند که انتظار می‌رود این مشارکت با تلاش‌ها و توجه جدی حکومت و به همت بانوان توانمند روزبه‌روز افزایش یابد. نتیجه این اقدامات بدیهی است که زنان را به نیروی فعال و برجسته در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی تبدیل خواهد کرد. البته در عمل متأسفانه پیشرفت‌ها در زمینه تأمین حقوق انسانی زنان رضایت‌بخش نبوده و پیاده‌کردن آن در عمل با مشکلات و چالش‌هایی مواجه بوده است.

۳-۵. تدوین مقرره حمایت از حقوق بشر در ادارات دولتی

حکومت افغانستان جهت توجه بیش‌تر و حمایت عملی از حقوق بشر، به منظور فراهم نمودن زمینه رعایت ارزش‌های حقوق بشری افراد با توجه به اسناد بین‌المللی حقوق بشر، از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر و دیگر میثاق‌ها و معاهدات بین‌المللی حقوق بشری که حکومت افغانستان به آن‌ها ملحق شده است، مکانیزم عملی را تحت عنوان مقرره حمایت از حقوق بشر در ادارات دولتی، تدوین و تصویب نموده است. هم‌چنین، فراهم نمودن زمینه تطبیق مکانیزم‌های نظارتی نهادهای ملی و بین‌المللی حقوق بشر در ادارات دولتی را در مطابقت با اسناد تقنینی نافذ کرده، وظیفه و مسئولیت خویش می‌داند. هم‌چنین، ایجاد هماهنگی میان قوانین، مقرره‌ها، پالیسی‌ها، استراتژی‌ها و برنامه‌های ادارات دولتی با معیارهای حقوق بشری و ارتقای سطح آگاهی کارکنان وزارت‌ها و ادارات دولتی در عرصه حقوق بشری، از اهداف مهم این مقرره بوده است.

۴-۵. تدوین قانون منع شکنجه

رعایت و حفظ کرامت انسانی و تأمین حقوق مظنونین، متهمین و محکومین در مراحل تعقیب عدلی؛ جلوگیری از شکنجه مظنون، متهمین، محکومین و سایر اشخاص در مراحل کشف جرم، تحقیق، محاکمه و تنفیذ مجازات؛ حمایت از متضررین شکنجه و شهود ارتکاب آن؛ تعقیب عدلی مرتکبین جرم شکنجه و تأمین جبران خساره متضرر جرم شکنجه از اهداف مهم این قانون بوده و حکومت افغانستان در تلاش است که بر اساس این قانون، برخوردهایش را با افراد مذکور قانونمند نموده و انسانی سازد. در قانون اساسی افغانستان نیز تأکید شده است که تعذیب انسان‌ها ممنوع است.

۵-۵. تدوین کد جزای افغانستان

این قانون دربرگیرنده تمامی جرایم و جزایهای تعزیری است و تمامی میثاق‌ها و اسناد بین‌المللی ای که افغانستان آن‌ها را پذیرفته است، در آن رعایت شده و همه موازین محاکمه عادلانه، قواعد حقوق بشردوستانه و ارزش‌های حقوق بشری افراد در آن در نظر گرفته شده است. اهداف مجازات‌ها و میزان مؤثریت و عبرت‌انگیزی آن مورد دقت قرار گرفته و جنبه پیش‌گیری مجازات‌ها نیز در این قانون لحاظ شده است. انتظار می‌رود که با تطبیق این قانون، عدالت به بهترین وجه آن تأمین شده و از نقض ارزش‌های حقوق بشری افراد در جامعه جلوگیری شود.

نتیجه‌گیری

در نظام سیاسی افغانستان، حفظ ارزش‌های حقوق بشری مورد توجه خاص بوده و از اهمیت ویژه برخوردار است. نظام سیاسی افغانستان همواره در تلاش بوده است تا احترام و حمایت از ارزش‌های حقوق بشری و آزادی‌های عمومی افراد در چوکات اسناد تقنینی و مکانیزم‌های عملی و تطبیقی آن تحقق یابد و گام‌های مفید و مؤثری در این راستا برداشته شود. موضوع حاکمیت قانون و تأمین عدالت به‌عنوان یک موضوع مهم مطرح شده است. تدوین و تصویب اسناد تقنینی و استراتژی‌های نظام‌مند برای تضمین و حفاظت از ارزش‌های حقوق بشری در اولویت‌های کاری قرار داشته است. قانون اساسی افغانستان به‌عنوان مهم‌ترین سند تقنینی در بیان حقوق و آزادی‌های عمومی افراد و تعیین مرز آزادی‌های افراد در برابر عملکرد قدرت و از سوی دیگر، حدود اعمال قوای عمومی در برخورد با ارزش‌های حقوق بشری و آزادی‌های عمومی افراد را مشخص و معین نموده است؛ بنابراین، نظام سیاسی افغانستان با توجه به تضمین‌های حقوق بشری در اسناد تقنینی داخلی و اسناد بین‌المللی حقوق بشری، مکلف است تا مسئولیت‌های حمایتی و دفاعی خویش را در قبال حقوق بشر انجام دهد و به هیچ‌وجه نمی‌تواند نسبت به این تضمین‌ها بی‌توجهی و بی‌اعتنایی کند.

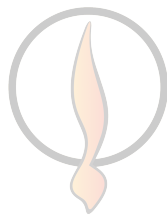
بنیاد اندیشه

تأسیس ۱۳۹۴

منابع

۱. اعلامیه جهانی حقوق بشر، مصوب ۱۹۴۸، نشر کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان.
۲. برنامه عمل کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان (۱۳۹۳)، نشر کمیسیون حقوق بشر.
۳. برنامه ملی اصلاحات عدلی و قضایی ۱۳۹۶، نشر دفتر معاونت دوم ریاست جمهوری.
۴. خسروی، حسن (۱۳۹۲)، حقوق اساسی ۱، تهران، نشر دانشگاه پیام نور.

۵. خسروی، حسن (۱۳۹۲)، حقوق اساسی ۲، تهران، نشر دانشگاه پیام نور.
۶. دانش، سرور (۱۳۹۴)، حقوق اساسی افغانستان، کابل، انتشارات دانشگاه ابن سینا.
۷. رحیمی نژاد، اسماعیل (۱۳۸۷)، کرامت انسانی در حقوق کیفری، تهران، نشر میزان.
۸. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۳)، فقه سیاسی، تهران، انتشارات امیر کبیر.
۹. قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل (۱۳۸۷)، بایسته‌های حقوق اساسی، تهران، نشر میزان.
۱۰. قانون اساسی افغانستان ۱۳۸۲، نشر وزارت عدلیه افغانستان.
۱۱. قانون تشکیل، وظایف و صلاحیت‌های کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان (۱۳۸۴)، نشر وزارت عدلیه افغانستان.
۱۲. قانون حمایت از رسانه‌های همگانی ۱۳۸۸، نشر وزارت عدلیه افغانستان.
۱۳. قانون دسترسی به اطلاعات (۱۳۹۳)، نشر وزارت عدلیه.
۱۴. قانون منع آزار و اذیت زنان و اطفال ۱۳۹۶، نشر وزارت عدلیه افغانستان.
۱۵. قانون منع خشونت علیه زنان ۱۳۸۸، نشر وزارت عدلیه افغانستان.
۱۶. قانون منع شکنجه ۱۳۹۶، نشر وزارت عدلیه افغانستان.
۱۷. کد جزای افغانستان (۱۳۹۶)، نشر وزارت عدلیه افغانستان.
۱۸. مقررۀ حمایت از حقوق بشر در ادارات دولتی ۱۳۹۳، نشر وزارت عدلیه افغانستان.
۱۹. مقررۀ طرز تأسیس و فعالیت رسانه‌های همگانی خصوصی ۱۳۹۴، نشر وزارت عدلیه افغانستان.
۲۰. میثاق بین‌الملل حقوق مدنی و سیاسی، مصوب ۲۶ دسامبر ۱۹۶۶.



بنیاد اندیشه
تأسیس ۱۳۹۴